



## «حلقات»

# درس ۹۲

استاد: حجت‌الاسلام والمسلمین علم الهدی  
آموزشیار :

شهید صدر در ادامه بررسی قواعد عقلی، وارد در قاعده امکان وجوب مشروط شدند و در ذیل این عنوان، به بررسی شروط تکلیف در مراحل سه گانه تکلیف پرداختند.

گفتیم شرط واجب و شرط وجوب، در مراحل سه گانه ملاک، اراده و جعل، به سه گونه و سه نام ایفای نقش می کنند . «شرط اتصاف و ترتب» در مرحله ملاک، «شرط اراده و مراد» در مرحله اراده و «شرط واجب و وجوب» در مرحله جعل، عناوینی بودند که در درس پیش گذرا با آن ها آشنا شدیم.

در این درس به ادامه بررسی این شروط در مراحل سه گانه می پردازیم و مبتنی بر تحلیل آن ها، قاعده امکان وجوب مشروط را مورد بررسی و نقد قرار خواهیم داد.

فالإنسان لا يريد ان يشرب الدواء الا إذا رأى نفسه مريضاً، و لا يريد من مأموره ان يشرب الدواء الا إذا كان كذلك. و لكن إرادة شرب الدواء للمريض، أو لمن يوجهه فعليه قبل ان يتناول الطعام. و لهذا فان المريض قد يتناول الطعام لا لشيء الا حرصاً منه على ان يشرب الدواء بعده وفقاً لتعليمات الطبيب، و هذا يوضح ان تناول الطعام ليس قيداً للإرادة، بل هو قيد للمراد بمعنى ان الإرادة فعلية، و متعلقة بالحصّة الخاصة، و هي شرب الدواء المقيد بالطعام، و من أجل فعليتها كانت محرّكة نحو إيجاد القيد نفسه. غير ان الإرادة التي ذكرنا انها مقيدة بشروط الاتصاف ليست منوطة بالوجود الخارجى لهذه الشروط، بل بوجودها التقديرى اللحاظى لأن الإرادة معلولة دائماً لإدراك المصلحة و لحاظ ما له دخل فى اتصاف الفعل بها لا لواقع تلك المصلحة مباشرة. و ما أكثر المصالح التي لا تؤثر فى إرادة الإنسان لعدم إدراكه، و لحاظه لها، فشروط الاتصاف بوجودها الخارجى دخيلة فى الملاك، و بوجودها التقديرى اللحاظى دخيلة فى الإرادة فلا مصلحة فى الدواء الا إذا كان الإنسان مريضاً حقاً، و لا إرادة للدواء الا إذا لاحظ الإنسان المرض و افترضه فى نفسه، أو فيمن يتولى توجيهه.

و نفس الفارق بين شروط الاتصاف، و شروط الترتب ينعكس على المرحلة الثالثة، و هي مرحلة جعل الحكم، فقد علمنا سابقاً ان جعل الحكم عبارة عن إنشائه على موضوعه الموجود، فكل شروط الاتصاف تؤخذ مقدرة الوجود فى موضوع الحكم و تعتبر مشروطاً للوجوب المجعول، و اما شروط الترتب فتكون مأخوذة قيوداً للواجب.

و إذا لاحظنا المرحلة الثالثة بدقة، و ميزنا بين الجعل و المجعول، كما مرّ بنا فى الحلقة السابقة، نجد ان الجعل باعتباره امراً نفسانياً منوطاً، و مرتبطاً بشروط الاتصاف بوجودها التقديرى اللحاظى كالإرادة تماماً لا بوجودها الخارجى،

## شروط حکم

درباره شروط حکم شرعی گفتیم این شروط در تمام مراحل سه گانه تکلیف (یعنی ملاک، اراده و حکم) خود را نشان می‌دهند. در مرحله ملاک دو شرط اتصاف و ترتب، وجود دارند.

شرط اتصاف، شرط اتصاف فعل به مصلحت است و شرط ترتب، شرط ترتب مصلحت بر فعل در خارج می‌باشد.

در مرحله اراده دو شرط اتصاف و ترتب به صورت شرط اراده و مراد خودنمایی می‌کنند. شرط اراده، شرط تحقق اراده است و شرط مراد شرط تحقق مراد است؛ برای نمونه تا زمانی که مریضی حاصل نشود، انسان اراده مصرف دارو را به وسیله خودش یا دیگری نمی‌کند، در نتیجه مریضی شرط اراده است و بدون آن اراده حاصل نمی‌شود. و از سوی دیگر مصرف دارو باید پس از خوردن غذا باشد و شرط مراد است؛ بدین معنا که اراده به گونه خاصی از مصرف دارو تعلق گرفته است و آن، مصرف پس از خوردن غذا است، پس برای تحقق متعلق اراده (مراد) باید این شرط حاصل شود.

### نکته

شرط مراد از اراده تحریک و بعث می‌پذیرد و چه بسا شخص به هدف مصرف دارو غذا تناول کند، در حالی که شرط مراد بر اراده هیچ تأثیری ندارد و بدون تحقق آن، اراده موجود است. از سوی دیگر اراده بر شرط اراده هم تأثیر ندارد و نمی‌تواند نسبت به آن بعث و تحریک داشته باشد. پیدا است که شخص هیچ گاه برای اراده مصرف دارو خود را مریض نمی‌کند.

۰۹:۲۳

## تفاوت بین شرط اتصاف و اراده

با این که شرط اتصاف در مرحله اراده به صورت شرط اراده خودنمایی می‌کند؛ اما باهم تفاوتی نیز دارند؛ یعنی تحقق ملاک برای فعل؛ وابسته به وجود خارجی شرط اتصاف است و تا در واقع شرط اتصاف محقق نشود ملاک هم حاصل نمی‌گردد؛ اما برای تحقق اراده وجود تقدیری و لحاظی شرط اراده کافی است.

اتصاف فعل به مصلحت و مفسده، امری واقعی و خارجی است و شرط آن هم باید وجود خارجی و عینی داشته باشد. بخلاف اراده که امری ذهنی است و شرط آن هم باید به وجود ذهنی محقق گردد.

در مثال مریض و دارو، برای مصلحت دار شدن مصرف دارو، شخص باید واقعا مریض شده باشد و پیش از آن مصرف دارو مصلحت ندارد و چه بسا مفسده هم داشته باشد؛ اما برای اراده مصرف دارو برای شخص مریض، تصور مریضی و وجود لحاظی و تقدیری آن لازم است. بنابراین با تصور و لحاظ کردن مریضی، هر چند بصورت تقدیری، مصرف دارو متعلق اراده قرار می‌گیرد.

۱۸:۴۷

## مرحله جعل حکم

دو گونه شرط در مرحله ملاک و اراده بررسی شد. در مرحله جعل هم دو گونه شرط وجود دارد: الف) شرط اتصاف و اراده در مرحله جعل به صورت شرط وجوب، انقضای نقش می کند و ب) شرط ترتب و مراد به صورت شرط واجب درمی آیند.

از آن جا که جعل حکم به معنای انشاء حکم بر موضوع مقدر الوجود است، شروط اتصاف به صورت شروط وجوب در این مرحله خودنمایی می کنند.

در مثال مصرف دارو، موضوع حکم، مصرف داروی دارای مصلحت است که در فرض تحقق بیماری موجود می شود. از آن جا که برای جعل حکم، موضوع مقدر الوجود فرض می شود، جعل هم در فرض تحقق بیماری صورت می گیرد و در نتیجه مشروط به تحقق مریضی است. شروط ترتب نیز که در مرحله اراده به صورت شروط مراد درآمدند، در این مرحله به صورت شروط واجب نمایان می شوند.

## جعل و مجعول

تکالیف دارای دو ثبوت هستند:

الف) جعل: که مرحله رسیدن به ثبوت نخستین تکلیف، پس از مرحله ملاک و اراده ها می باشد.

ب) مجعول: که هنگام تحقق شرایط تکلیف در خارج و در نتیجه فعلیت تکلیف ثابت می شود.

تحقق جعل با تحقق مجعول تفاوت دارد. برای تحقق جعل، قصد شروط کفایت می کند؛ ولی تحقق مجعول ( فعلیت یافتن تکلیف ) متوقف بر تحقق یافتن شروط در خارج است؛ برای نمونه وجوب روزه مشروط است به وجود شخص مکلفی که مریض و مسافر نباشد و داخل در ماه رمضان باشد و ... برای جعل حکم وجود لحاظی و تقدیری این شروط لازم است؛ اما برای فعلیت یافتن تکلیف و ثبوت مجعول، لازم است این شروط در خارج نمود پیدا کنند.

۱. شرط اتصاف در مرحله ملاک، بصورت شرط اراده در مرحله اراده نقش آفرینی می کند.
۲. شرط ترتب در مرحله ملاک، بصورت شرط مراد در مرحله اراده ایفای نقش می نماید.
۳. اراده، در شرط مراد تأثیر می گذارد؛ ولی در شرط اراده بی تأثیر است.
۴. شرط اتصاف به وجود خارجی لحاظ می شود؛ اما شرط اراده بوجود ذهنی و تقدیری مأخوذ است.
۵. اتصاف فعل به مصلحت یک امر واقعی و خارجی است.
۶. در مرحله جعل، شروط اتصاف بصورت شروط وجوب و شروط ترتب بصورت شروط واجب نمایان می شوند.
۷. تکلیف دو ثبوت دارد: جعل و مجعول.